

فرمانده معظم کل قوا: «هیچ بن‌بست و مشکل غیرقابل‌حلی در کشور وجود ندارد و ما به فضل الهی و با عزم و اراده مردم و مسئولان و با استفاده از ظرفیت بی‌بدیل جوانان و نخبگان توانمند ایران عزیز و با فعال کردن ظرفیت‌ها و منابع ممتاز کشور، یقیناً بر مشکلات درونی و تحمیلی فائق خواهیم آمد.» (۱۳۹۷/۰۷/۱۹)

مقاله پژوهشی: الگوی آمریکا در جنگ مردم‌محور علیه نظام ج.ا.ایران

مسعود محمدی السستی،^۱ قاسم فولادی^۲ و هادی نهادی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۴

چکیده

وقوع انقلاب اسلامی موجب شد تا آمریکا رفتاری خصمانه علیه جمهوری اسلامی ایران در پیش گیرد. این رفتار طیف وسیعی از روش‌های سخت‌نظامی تا نیمه سخت و نرم را در بر گرفته است. در این راستا، به نظر می‌آید کانون توجه دشمنان متوجه مردم ایران می‌باشد، به گونه‌ای که مقام معظم رهبری مدظله به این حقیقت اشاره می‌کنند که «هدف دشمنان این است که نظام مقدس جمهوری اسلامی را از پشتیبانی مردم که پشتوانه عظیمی برای کشور است، محروم کنند؛ ... اتفاقاً هدف اصلی، مردم‌اند». این پژوهش با استفاده از روش نظریه داده‌بنیاد از طریق مطالعه اسناد و گزارش‌ها غربی مرتبط با ایران به دنبال پاسخ به این سؤال بوده است که آمریکا در رفتارهای احتمالی خود علیه ج.ا.ایران برای رسیدن به اهدافش چگونه بر مردم ایران تأثیر می‌گذارد، بنابراین راهبرد آن اکتشافی و از نوع کیفی بوده و فرضیه‌ای ندارد و از لحاظ هدف کاربردی - توسعه‌ای است. به‌منظور اعتبارسنجی نتایج از رویکرد کنترل اعضا یا اعتبار پاسخگو استفاده شده است. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که آمریکا به‌خوبی نقش و تأثیر حیاتی حمایت مردم ایران بر ثبات و پایداری نظام ج.ا.ایران را درک کرده است. لذا هم‌وغم خود را بر تأثیرگذاری مؤثر بر مردم به روش‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، دفاعی و ... قرار داده است به گونه‌ای که حس ناامیدی از کارآمدی نظام فعلی ج.ا.ایران را در مردم ایجاد نموده و حمایت آن‌ها را از حاکمیت و نظام تضعیف کند. در این میان، فشارهای اقتصادی، ممانعت از تحقق رویکرد اقتصاد مقاومتی و همچنین ایجاد بدبینی و تردید نسبت به فعالیت‌های تحقیقات و توسعه فناوری‌های دفاعی در مردم، ایجاد خودتخریبی توسط نهادهای دولتی و خصوصی غیر دفاعی و دانشگاه‌ها از عوامل و پیامدهای مهم این رفتار است. نتیجه این رفتار باعث می‌شود تا از یک‌سو توان تاب‌آوری جامعه و توان بسیج‌کنندگی حاکمیت و نظام ج.ا.ایران کاهش یافته و از سوی دیگر توان بسیج‌کنندگی آمریکا و دشمنان ج.ا.ایران افزایش یابد.

واژگان کلیدی: جنگ مردم‌محور، جنگ بی‌قاعده، جنگ ترکیبی، الگوی رفتاری آمریکا، پارادایم.

۱. دکترای علوم دفاعی راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی (نویسنده مسئول) - Masood.Alasti@yahoo.com

۲. دکترای آینده‌پژوهی دانشگاه عالی دفاع ملی - Q_fooladi@yahoo.com

۳. پژوهشگر ارشد پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس - hadi.nahadi@gmail.com

مقدمه

یکی از انگاره‌هایی که در دهه ۱۹۹۰ در ادبیات دفاعی و نظامی ظاهر شد، «عملیات تأثیرمحور»^۱ بود؛ هرچند این مفهوم جدیدی نیست، اما پیشرفت و توسعه فناوری‌ها موجب تغییراتی اساسی در این انگاره شده است. این تغییرات به اندازه‌ای عمیق است که بسیاری از صاحب‌نظران و متخصصین امور نظامی عملیات تأثیرمحور را به‌عنوان انگاره‌ای در حال ظهور و رویکرد آینده جنگ در نظر می‌گیرند. رویکرد تأثیرمحور صحنه نبرد را از شکل سنتی که در آن دو نیروی نظامی باهم رودررو می‌شوند، به یک صحنه بسیار گسترده تبدیل کرده که در آن تصمیم، تشخیص، درک دشمن، خودی‌ها و بی‌طرف‌ها نیز مورد هدف قرار می‌گیرد، تمامی ابزار قدرت ملی و بین‌المللی به میدان آورده می‌شود و مردم نقش بسیار کلیدی ایفا می‌کنند. اهمیت و نقش مردم از دید آمریکا پنهان نمانده است، به‌گونه‌ای که «پنتاگون» در سند مفهوم عملیات مشترک جنگ بی‌قاعده^۲ (۲۰۰۷) خود جنگ بی‌قاعده را مرتبط با مردم معرفی می‌کند نه نظامیان و آن را تنها به دلآوری‌های نظامی وابسته نمی‌داند، بلکه به ادراک آمریکا از پویایی اجتماعی نظیر سیاست‌های قبیله‌ای، شبکه‌های اجتماعی، نفوذهای مذهبی و آداب و رسوم فرهنگی نیز وابسته می‌داند؛ بیش از آنکه نظامیان و فناوری‌های پیشرفته در موفقیت این جنگ نقش داشته باشند، این مردم هستند که ایفای نقش می‌کنند. آنچه باعث می‌شود این نوع جنگ را «بی‌قاعده» بخوانند، تمرکز این نوع جنگ بر افراد و هدف راهبردی آن جلب حمایت مردم از طریق اعمال روش‌های سیاسی، روانی و اقتصادی برای واپایش و ایجاد و حفظ برتری است؛ در چنین جنگی که «تمرکز» آن بر «مردم» است، استفاده از روش‌ها و قابلیت‌هایی متفاوت از روش‌ها و قابلیت‌های جنگ‌های نظامی مرسوم ضروری است (DoD, 2007).

1. Effects Based Operations
2. Irregular warfare

۱. کلیات

۱-۱. بیان مسئله

وقوع انقلاب اسلامی موجب شد تا آمریکا رفتاری خصمانه علیه ج.ا.ایران در پیش گیرد. این رفتار طیف وسیعی از رفتار سخت نظامی تا رفتارهای نیمه‌سخت و نرم را در بر گرفته است. سیاست استکبارستیزی ج.ا.ایران و خوی استکباری آمریکا دو نگرش و رفتاری است که هیچ‌گاه نمی‌توانند در کنار هم قرار گیرند؛ بنابراین انتظار می‌رود دشمنی‌های آمریکا علیه ج.ا.ایران ادامه یابد. در این راستا، به نظر می‌آید کانون توجه دشمنان متوجه «مردم» ایران می‌باشد، به گونه‌ای که مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) در بیانات خود در دیدار با رئیس و مسئولان قوه قضاییه به این حقیقت اشاره می‌کنند که «هدف دشمنان این است که نظام مقدس جمهوری اسلامی را از پشتیبانی مردم که پشتوانه عظیمی برای کشور است، محروم کنند؛ ... اتفاقاً هدف اصلی، مردم‌اند». در الگوی رفتاری آمریکا علیه ج.ا.ایران مبتنی بر رویکرد تأثیرمحوری آمریکا و نظریه شبکه‌ها سه گره حیاتی در شبکه ایران وجود دارد که اگر بتوان بر روی آنها اختلال ایجاد کرد کل شبکه ایران ناپایدار می‌شود: «رهبری»، «مردم» و «سپاه پاسداران» به عنوان بازوی قدرت رهبری ایران (فولادی و رحیمی، ۱۳۹۴). حال، با توجه به اینکه هدف و سوژه اصلی جنگ‌های امروز و آینده «مردم» هستند، سؤال اصلی پژوهش حاضر، این است که الگوی رفتاری آمریکا در خصوص مردم ایران به منظور اقدام علیه نظام ج.ا.ایران چیست؟

۲-۱. اهمیت و ضرورت تحقیق

بر پایه تدبیر مقام معظم رهبری و فرماندهی معظم کل قوا^(مدظله‌العالی) که «نقشه راه و طرح کلی دشمن برای مقابله با نظام اسلامی، می‌تواند برای ما نیز یک نقشه راه ترسیم کند به گونه‌ای که هر مسئله‌ای که آماج حملات آن‌هاست باید مورد تأکید و تکیه ما قرار گیرد.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۵/۲۳)، انتظار می‌رود این پژوهش بتواند برای مخاطبان مشخص کند:

- (۱) نگرش آمریکا به مردم ایران چگونه است؟
- (۲) آمریکا از چه حربه‌هایی برای به‌کارگیری مردم علیه نظام ج.ا.ایران استفاده می‌کند؟
- (۳) آمریکا در رابطه با مردم ایران بر چه موضوعاتی تأکید و تکیه می‌کند؟
- عدم شناخت نوع رفتار دشمن با مردم می‌تواند باعث غفلت مسئولان و برنامه‌ریزان کشور شود؛ به‌گونه‌ای که این امکان وجود خواهد داشت کارگزاران نظام ندانسته در زمین‌بازی دشمن و هم‌راستا با خواسته‌های او عمل نمایند.

۳-۱. پیشینه تحقیق

بررسی و جستجوهای انجام‌شده حاکی از آن است که مقاله یا کار پژوهشی با عنوان «جنگ مردم‌محور» در زبان فارسی موجود نیست؛ اما مقالاتی نزدیک به این مضمون وجود دارند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

(۱) «فتح‌الله کلانتری» (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «واکاوی راهبردهای نظامی آمریکا در جنگ‌های حال و آینده» به این نتیجه رسیده که آمریکا در جنگ‌های اخیر با ائتلاف‌سازی رسمی و جنگ نیابتی به دنبال تخریب زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی بود. فشار دیپلماتیک و تغییر رفتار مسئولان و مردم از طریق عملیات تأثیرمحور از دیگر روش‌های آمریکا در جنگ‌های اخیر بوده است. آمریکا در جنگ‌های آینده با ائتلاف‌سازی ترکیبی و استفاده از فناوری نوین به دنبال اجرای جنگ هویتی و ترکیبی (هیبریدی) است، بنابراین بهترین روش برای مقابله با تهدیدهای حال و آینده آمریکا اجرای جنگ مقاومت با رویکرد شناخت‌محوری می‌باشد.

(۲) «ابوذر گوهری‌مقدم» (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان «الگوی رفتاری آمریکا در قبال بیداری اسلامی: عمل‌گرایی محتاطانه» عنوان می‌دارد که آمریکا در قبال بیداری اسلامی از اقداماتی چون مداخله مستقیم نظامی تا تغییرات ظاهری در نخبگان حاکم را در دستورکار خود قرار داده و در درازمدت نیز تلاش می‌کند از طریق کمک به انجام اصلاحات درونی، تداوم حضور نظامی در منطقه و کشورهای هدف، پرهیز از اتکای به

متحد واحد، ترویج الگوی اسلام‌گرایی سکولار، نزدیکی به جامعه مدنی و اسلام‌گرایان منطقه، تقویت گفتمان حقوق بشر و پیشبرد روند سازش، چالش‌های ناشی از بروز بیداری اسلامی در منطقه را مدیریت نماید.

(۳) «قاسم فولادی و غلامحسین رحیمی» (۱۳۹۴) در پژوهش «مدل راهبردی رفتار آمریکا در جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران» چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند که به نظر می‌رسد سناریوی آمریکا در الگوی راهبردی رفتاری در جنگ نرم علیه ج.ا.ایران فروپاشی از درون از طریق فشارهای بیرونی و درونی است. براساس نظریه تأثیرمحوری، ارکان حیاتی ج.ا.ایران «مردم» و «رهبری» هستند. «سپاه» رکن حیاتی دیگری است که به خاطر جایگاه و ارتباط آن با رهبری مورد توجه آمریکا قرار دارد. در این سناریو بایستی رابطه بین «مردم» با «رهبری» و «سپاه» تضعیف و گسسته گردد. با این کار شبکه درونی ایران ناپایدار گردیده و تغییر رفتار در ج.ا.ایران در برابر آمریکا رخ خواهد داد؛ کافی است مردم به این احساس برسند که راهی جز کنار آمدن با آمریکا وجود ندارد؛ بر این اساس، مقابله با چنین رفتاری جز با به‌کارگیری راهبرد دفاع همه‌جانبه امکان‌پذیر نخواهد بود.

۱-۴. هدف‌های تحقیق

۱-۴-۱. هدف اصلی

شناخت چگونگی اثرگذاری آمریکا بر مردم ایران برای مقابله با نظام ج.ا.ایران.

۱-۴-۲. هدف‌های فرعی

- (۱) شناسایی عوامل علی در الگوی رفتاری آمریکا در رابطه با مردم؛
- (۲) شناسایی عوامل مداخله‌گر در الگوی رفتاری آمریکا در رابطه با مردم؛
- (۳) شناسایی راهبردها در الگوی رفتاری آمریکا در رابطه با مردم؛
- (۴) شناسایی پیامدهای موردانتظار در الگوی رفتاری آمریکا در رابطه با مردم.

۱-۵. سؤال‌های تحقیق

۱-۵-۱. سؤال اصلی

آمریکا برای مقابله با نظام ج.ا.ایران چگونه بر مردم ایران اثر می‌گذارد؟

۱-۵-۲. سؤال‌های فرعی

(۱) عوامل علی در الگوی رفتاری آمریکا در رابطه با مردم چیست؟

(۲) عوامل مداخله‌گر در الگوی رفتاری آمریکا در رابطه با مردم چیست؟

(۳) راهبردها در الگوی رفتاری آمریکا در رابطه با مردم چیست؟

(۴) پیامدهای مورد انتظار در الگوی رفتاری آمریکا در رابطه با مردم چیست؟

۱-۶. روش تحقیق

از آنجا که این پژوهش به دنبال شناخت چگونگی به‌کارگیری جنگ مردم‌محور توسط آمریکا علیه ج.ا.ایران است، از نوع اکتشافی کیفی بوده و فرضیه‌ای ندارد. از لحاظ هدف، توسعه‌ای- کاربردی و روش به‌کار گرفته شده، نظریه‌پردازی داده‌بنیاد است. داده‌ها و اطلاعات موردنیاز برای نظریه‌پردازی داده‌بنیاد از میان گزارش‌ها و اسناد غربی (از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۹) گردآوری شده که در آنها درباره ایران و مردم ایران سخن به میان آمده است. از میان این گزارش‌ها و اسناد یک سری مفاهیم و مقوله‌ها استخراج گشته و با استفاده از آنها، الگوی انگاره‌ای (پارادایمی) نظریه‌پردازی داده‌بنیاد تشکیل و درنهایت، روایتی از روش آمریکا در به‌کارگیری مردم ایران علیه ج.ا.ایران ارائه شده است.

مقوله‌های به‌دست آمده ابتدا برای چند تن از کارشناسانی با سابقه خدمتی بالای ۲۵ سال که در حوزه جنگ‌های آینده، جنگ ترکیبی و جنگ نرم نیز کار و مطالعه داشته‌اند ارائه شد.

جدول شماره (۱): مراکز مورد مراجعه برای تأیید مقوله‌ها

ردیف	مراکز	تعداد
۱	مرکز مطالعات راهبردی ناجا	۶ نفر
۲	معاونت اطلاعات عملیات سازمان پدافند غیرعامل	۷ نفر
۳	دانشگاه عالی دفاع ملی	۳ نفر
۴	مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی وزارت دفاع	۲ نفر

برای اعتبارسنجی نتایج، از رویکرد واپایش اعضا یا اعتبار پاسخگو استفاده شده است؛ به همین منظور، در این پژوهش پس از تحلیل داده‌های حاصل از اسناد، به‌منظور اعتباربخشی به الگوی به‌دست‌آمده، نتیجه برای چند گروه خبرگی ارائه شد و الگو مورد پالایش قرار گرفت. (جدول شماره ۲)

جدول شماره (۲): مراکز مورد مراجعه برای اعتبارسنجی

ردیف	مراکز	تعداد
۱	قرارگاه جنگ نرم سپاه	۵ نفر
۲	مرکز مطالعات راهبردی آجا	۱۵ نفر
۳	معاونت راهبردی قرارگاه خاتم (ص)	۱۰ نفر

برای نمونه، جداکردن مردم از نظام از نظر خبرگان به‌عنوان مهم‌ترین عامل به‌زبانو درآوردن حاکمیت عنوان شد. موضوع عمق نفوذ راهبردی ایران مورد تأکید سپاه و قرارگاه خاتم (ص) بود. موضوع تاب‌آوری و قدرت بسیج‌کنندگی از جمله مواردی بود که مورد تأکید همگی قرار داشت.

۲. ادبیات و مبانی نظری تحقیق

۲-۱. جنگ مردم‌محور

این جنگ معمولاً از سوی یک نهاد دولتی غیر از وزارت دفاع آمریکا هدایت می‌شود. در این میان نیروهای تحت نظارت آمریکا وظیفه پشتیبانی‌کننده را داشته و با استفاده از

روش‌های غیرمستقیم عمل می‌کنند. به عنوان مثال، به جای استفاده از قدرت نظامی در تقابل با نیروهای نظامی و بسیج ایران، زیرساخت‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی یا امنیتی که موجب نارضایتی عمومی بین مردم خواهد شد مورد هدف قرار می‌گیرند (فولادی و صابرفرد، ۱۳۹۰).

اصطلاح «جنگ بی‌قاعده» که مدتی است بین راهبردی‌پردازان غربی مصطلح شده، تأکیدی است بر جایگاه مشروعیت و ابعاد قدرت نرم کشورها. در مفهوم جنگ بی‌قاعده، تمرکز بر مردم است نه نظامیان. جنگ بی‌قاعده افزون‌بر آنکه دلاوری و سلحشوری نظامی را مدنظر دارد، به شدت به درک جنبش‌های اجتماعی مانند سیاست‌های قومی، شبکه‌های اجتماعی، تأثیرات مذهبی و آداب و رسوم فرهنگی نیز وابسته است. در موفقیت این جنگ، مردم نقش محوری دارند و هدف راهبردی آن در اختیار گرفتن و حفظ و واپایش و جلب حمایت مردم با اعمال روش‌های سیاسی، روانی و اقتصادی است. به عبارت بهتر تمرکز بر مشروعیت به منظور اعمال نفوذ یا واپایش و «استحاله مردم» است. بر اساس طراحی این نقشه، دشمن به دنبال تخریب مشروعیت و اعتبار حکومت است تا بتواند مردم را از حکومت جدا کرده و از لحاظ فیزیکی و روانی به انزوا بکشانند، در عین حال، به دنبال تقویت اعتبار خود است تا بتواند به طور قانونی مردم را تحت کنترل و واپایش خود در بیاورد. در «جنگ بی‌قاعده» برخلاف جنگ سنتی، این مردم هستند که به رهبری و حکومت خود فشار وارد و او را وادار به تغییر رفتار می‌کنند (فولادی و صابرفرد، ۱۳۹۰).

در سال ۲۰۰۷ میلادی «مفهوم عملیاتی مشترک جنگ بی‌قاعده» توسط «پنتاگون» مطرح شد. این مفهوم، قابلیت‌ها و مفاهیم (ایده‌های) نظامی مورد نیاز وزارت دفاع آمریکا برای انجام موفقیت‌آمیز جنگ بی‌قاعده علیه دولت‌های متخاصم و گروه‌های مسلح را هدایت می‌کند. مفهوم عملیاتی مشترک «جنگ بی‌قاعده» به طور گسترده به تشریح آن می‌پردازد که آمریکا چگونه باید جنگ بی‌قاعده طولانی مدت را با به‌کارگیری سایر ابزارهای موجود قدرت ملی و با همکاری سایر هم‌پیمانان دولتی و غیردولتی آمریکا اجرا کرده و به اهداف راهبردی خود دست پیدا کنند. این مفهوم نه تنها از سوی آمریکا و هم‌پیمانانش بلکه توسط

دیگران در حال تبدیل شدن به شکل غالب جنگ است. به طور کلی، تمرکز «جنگ بی قاعده» بر به دست آوردن واپایش و اثرگذاری بر مردم است (DoD, 2007).

«جیمز گاوریلیس»^۱ (۲۰۰۹) معتقد است یکی از بزرگترین تغییراتی که ارتش و نیروی نظامی آمریکا برای مؤثر بودن در برخورد با روش‌های بی قاعده باید ایجاد کند تغییر مراکز ثقل راهبردی مهم از جنبه‌های فیزیکی به ابعاد انسانی جنگ است. بر اساس مفهوم جنگ بی قاعده، آمریکا و هم‌پیمانانش به احتمال زیاد در جنگ‌هایی طولانی مدت بر سر جلب حمایت و مشروعیت، با دشمنان دولتی و غیردولتی درگیر خواهند شد. در این مفهوم، نبردهای آینده به احتمال زیاد در بین مردم رخ خواهد داد که این امر استفاده از کاربردهای قدرت نظامی متعارف را محدود می‌کند. از این رو با توجه به شرایط بالا، برای دستیابی به اهداف راهبردی نیاز به یک رویکرد نظامی بی قاعده و استفاده از روش‌ها و ابزارهای غیرمستقیم و گاهی غیرمتعارف ضروری است (DoD, 2007). از نظر «گاوریلیس»، در رهنامه (دکترین) متعارف، مردم به عنوان بخشی از قلمرو فیزیکی هستند که باید به گونه‌ای مدیریت شوند تا تداخلی با عملیات نظامی نداشته باشند یا از آن آسیب نبینند؛ اما در جنگ بی قاعده، مردم بخشی از قلمرو نیستند، آنها خود قلمرو هستند. نبرد و جنگ بر سر «قلمرو انسانی» است. جنگ بی قاعده، تغییر از قلمرو فیزیکی به انسانی است و چون انسان‌ها قلمرویی هستند که در به دست آوردنشان دو طرف در رقابت‌اند، عوامل انسانی جنگ مهم‌تر می‌باشند (Gavrilis, 2009).

وزیر دفاع وقت آمریکا در سخنرانی خود در اکتبر ۲۰۰۷ بیان کرد که «موفقیت بیش از آنکه تابعی از تحمیل اراده باشد، تابعی از شکل‌دهی رفتار دوستان، دشمنان و از همه مهم‌تر مردم است» (Cordesman, 2008). «نورمن امری»^۲ (۲۰۰۵) افسر عملیات اطلاعاتی

4. James A. Gavriliis

جیم گاوریلیس افسر سابق نیروهای ویژه بود که دو دوره در عراق خدمت کرده و عملیات شورش و ضدشورش را در دانشگاه جورج تاون، جورج واشنگتن و مؤسسه سرویس خارجی وزارت امور خارجه تدریس کرده است.

2. Norman E. Emery

ارتش آمریکا می‌گوید: «نباید این حقیقت حیاتی که تمام مدعیان برای هدف یکسانی می‌جنگند را از یاد ببریم: مردم». «روپرت اسمیت»^۱ (۲۰۰۵) در بخش «استفاده از قوا» اضافه می‌کند که جنگ متعارف نیروها باهم، دیگر وجود ندارد. در واقع، او معتقد است که در موارد بسیاری نیروها نتایج ضروری برای موفقیت در جنگ‌های فعلی و آینده را به دست نمی‌آورند. در عوض مردم، به خصوص بخش‌های انتخاب‌شده از جمعیت، میدان جنگ و هدف جنگ هستند. این جنگ‌ها در میان مردم معمولاً بی‌زمان و به‌احتمال زیاد بی‌پایان هستند؛ بنابراین، برنامه‌ریزان راهبردی باید درک دقیقی از بستر سیاسی هر جنگی داشته باشند.

«گاوریلین» معتقد است جنگ بی‌قاعده یک رقابت سیاسی، اقتصادی و اطلاعاتی است، رقابت روایت‌ها، تدارک خدمات و درعمل رقابت حاکمیت است. جنگ بی‌قاعده دارای یک بعد سازندگی است که بسیاری آن را نادیده می‌گیرند و مهم‌تر از بعد تخریبی است. در این رقابت بر سر جمعیت، باید بهتر از دشمن عمل کرد. در جنگ بی‌قاعده، هدف توسعه مشروعیت است و نه فقط استفاده از زور برای تخریب و نابودی حریف. در واقع، بیش از علوم فیزیکی به علوم اجتماعی نیاز است (Gavrilis, 2009). «نورمن امری» خطاب به ارتش آمریکا می‌گوید: «ارتش آمریکا باید بپذیرد که به‌جای پیروزی در مقابل مردم، «پیروزی» شاید از دست ندادن و جلوگیری از پیوستن آنها به دشمن باشد. عبارتی که در اغلب موارد ارتش آمریکا از آن برای تعریف تلاش‌های خود برای حفظ افراد غیرمعارض و به‌سوی خود جذب کردن افراد مردم استفاده می‌کند، «به‌دست آوردن قلب‌ها و افکار» است. این عملیات به معنای واقعی کلمه رسیدن به یک گروه از طریق ابزارهای شناختی و احساسی است» (Emery&et.al, 2005).

1. Rupert Smith
2. The Utility of Force

۲-۲. دسته‌بندی مردم

«گاوریلیس» مردم را به سه گروه تقسیم می‌کند: (۱) اجزای کوچکتري از جمعیت که حامیان فعال هستند، (۲) بیشتر مردم که حامیان منفعل هستند و (۳) عده‌ای هم بی‌طرف می‌باشند. بر اساس تجربه او، حمایت مردم منفعل کافی نیست، جناحی که تعداد بیشتری از مردم را بسیج می‌کند (قدرت بسیج‌کنندگی بیشتر) برنده خواهد بود. دولت ممکن است بیشترین حمایت یا پشتیبان مردمی منفعل را داشته باشد، اما اگر قادر نباشد آن پشتیبان را تجهیز نماید، طرف مقابل پیروز خواهد شد. همچنین، هر دو طرف به دنبال آن خواهند بود که حامیان فعال دیگری را به حالت عادی و غیرفعال درآورند. در این جنگ، همه خط‌مشی‌ها باید بر تغییر عقیده جمعیت متمرکز باشد. تغییر حمایت عمومی گروه‌های مردم باید به شیوه‌های مختلف، از جمله پرداختن به شرایط خاص، برجسته کردن بی‌عدالتی‌های جمعیتی، ارائه خدمات، برقراری امنیت، کاهش عوامل آسیب‌پذیر و انجام کارهای بسیار دیگر برای تغییر شرایط که در آنها جمعیت خود نقش پیدا می‌کند، تحقق یابد (Gavrilis, 2009).

«نورمن امری» نیز مردم را به سه گروه تقسیم می‌کند: (۱) معترض، (۲) غیرمعترض و (۳) مردد. افراد معترض اعضای فعال نیروهای ضددولتی یا حامیان فعال گروه‌های مختلف دشمن هستند و بنابراین مخالف با دولت یا مقامات حاکم هستند. گروه غیرمعترض به‌سادگی از دولت حمایت می‌کند. درحالی‌که این دو گروه برای از دور خارج کردن یکدیگر تلاش می‌کنند، میدان جنگ حقیقی حوزه انتخابی افراد مردد (افرادی بی‌طرف) است. افراد مردد منتظر پیشرفت و مسائل امنیتی هستند تا تعیین کنند از چه کسی حمایت نمایند؛ فاتح کسی است که آنها را به‌سوی خود جذب کند. بنابراین بایستی تمام توان خود را در جهت مخاطبین مردد صرف کرد (Emery&et.al, 2005).

۲-۳. الزامات و روش‌ها

یکی از توصیه‌هایی که برای تحقق جنگ بی‌قاعده می‌شود، استفاده از رویکردهای غیرمستقیم به‌جای رویکردهای مستقیم است؛ ازجمله هدف قراردادن زیرساخت‌های

اقتصادی، سیاسی، فرهنگی یا امنیتی که موجب نارضایتی عمومی می‌شوند به جای استفاده مستقیم از قدرت نظامی در تقابل با نیروهای نظامی و شبه‌نظامی دشمن؛ از بین بردن قدرت و نفوذ دشمن بر افراد و جمعیت مرتبط از طریق به انزوا کشاندن فیزیکی و روانی آن از پشتیبانی‌های منطقه‌ای و جهانی با به‌کارگیری جنگ روانی، دیپلماسی عمومی و روابط عمومی، عملیات امنیتی، مقررات و اپایش افراد و سایر ابزارها (DoD, 2007).

«نورمن امری» انجام جنگ بی‌قاعده را مستلزم مهارت‌های زبانی، مهارت‌های برقراری ارتباطات متقابل فرهنگی و آگاهی فرهنگی؛ درک عوامل جمعیتی، مذهبی و اقتصادی یک منطقه؛ شناخت مردم و انگیزه‌های آنها؛ برقراری روابط با جمعیت می‌داند. از نظر وی، متمرکز شدن بر مردم و نه دشمن، مؤثرترین عامل در جنگ بی‌قاعده است و تدارکات اطلاعاتی و جاسوسی نبرد باید شامل لایه‌های نقشه سیاسی، اقتصادی و جمعیتی باشد. او اعتقاد دارد عملیات اطلاعاتی به صورت مستقیم روی کانون عملیات جنگ بی‌قاعده، یعنی گروه‌های مرتبط اثر می‌گذارند. او یکی از شرط‌های مهم موفقیت در جنگ بی‌قاعده را درک اهمیت نقشی که مردم بازی می‌کنند، چگونگی برآورد اطلاعات توسط دشمنان و اهمیت مهارت و چیرگی در مطالعات فرهنگی و مطالعات رفتار انسانی توسط افسران و مقامات عملیات اطلاعاتی می‌داند (Emery & et.al, 2005). از نظر «گاورلیس»، تغییر نگرش نسبت به جمعیت به عنوان یک مرکز ثقل، تغییری اساسی برای نیروهای متعارف بوده و ارتش آمریکا نیازمند الگویی است که به شکل‌دهی عملیاتی کمک کند. این ارتش بایستی مأموریت‌های دیگری مثل حفاظت از جمعیت را به کارها و وظایف خود اضافه کند و برای فهم شبکه‌های اجتماعی و ویژگی‌های قبیله‌ای طرف مقابل اقدام نموده و نقشه منسجمی از قلمرو و منطقه انسانی در یک بافت سیاسی - نظامی که تصویری از مبارزه‌ای با پشتیبانی مردمی را تشکیل بدهد، تهیه کند. او معتقد است جنگ بی‌قاعده باید به صورت محلی اجرا شود، که می‌بایست شامل تغییر افرادی باشد که قادرند گروه‌های اجتماعی خود را تغییر دهند. البته جنگ بی‌قاعده باید در سطح راهبردی برای تغییر محیط، شرایط اجتماعی و سیاسی گسترده منطقه وارد عمل شود تا حمایت مردمی را پیش ببرد. شاید یک

فرد قادر نباشد تا علائق و وابستگی‌های خود را تغییر دهد، مگر آنکه ابتدا، کل وضعیت تغییر کند. از جمله کارهای دیگری که بایستی انجام شود، ایجاد محیطی امن است که افراد بتوانند در آن وابستگی‌های سیاسی خود را تغییر دهند. به‌منظور مؤثر بودن، جنگ بی‌قاعده باید قدرت و واپایش بیشتری اعمال کند و از شهروندان در بلندمدت حمایت کند. امنیت موقت، محکوم به شکست است، چون فرسایش اعتماد را به همراه دارد و مردم را وادار به تلافی کردن می‌کند. افزون‌بر این، برای اینکه جنگ بی‌قاعده موفق باشد باید نوعی رابطه صمیمی با جمعیت در سطح محلی برقرار کرد تا با طرف مقابل که با مردم رابطه بهتری دارند و نزدیکتر هستند رقابت نمود (Gavrilis, 2009).

در حال حاضر، بسیاری معتقدند که جنگ‌ها به شکل ترکیبی خواهند بود. جنگ‌های ترکیبی، جنگ‌های طیف کامل هستند که دارای هر دو بُعد فیزیکی و مفهومی هستند؛ بُعد فیزیکی یعنی جنگ علیه دشمن مسلح و بُعد مفهومی یعنی تلاش وسیع‌تر برای به دست آوردن واپایش و حمایت جمعیت بومی محل درگیری و حمایت مردم ملل مداخله‌کننده و حمایت جامعه جهانی. دستیابی به اهداف راهبردی در جنگ ترکیبی نیازمند موفقیت در همه این میدان‌های سنتی و نامتعارف متنوع است. کشوری که درگیر جنگ ترکیبی است، در تمام سطوح خود یعنی سازمان‌های امنیتی، ادارات و عملیات حکومتی، سایت‌ها و نیروهای نظامی، خدمات ضروری و اقتصادی یا احتمالاً نابودشده، آسیب‌دیده و یا مختل می‌شود. اینها میدان‌های رزم برای مشروعیت و حمایت در چشم مردم هستند. نکته کلیدی این است که برای پیروزی در جنگ ترکیبی باید در سه میدان تعیین‌کننده پیروز باشیم: میدان سنتی؛ میدان جمعیت بومی در منطقه درگیری؛ میدان خانه و جامعه جهانی. جنگ ترکیبی شیوه شکست دادن طرف مقابل از طریق عملیات مردم‌محور است. تلاش‌ها برای ادغام دانش فرهنگی، مردم را تبدیل به «قلمروی» می‌کند که می‌توان در درون آن اقداماتی صورت داد؛ آنها هدف جنگ می‌شوند (McCuen, 2007) به‌گونه‌ای که حمله به بازارها، ارتباطات و نمادهای فرهنگی می‌تواند تأثیری عمیق بر روان مردم در جبهه دشمن داشته باشد. هدف از بین بردن روحیه مردم و سست کردن اراده رهبران درنبرد با

آنان است (Vest, 2008). از این رو، برای موفقیت باید انسجام اخلاقی که جامعه را شکل داده از بین برد و با حملات تهدیدآمیزی که غرایز اولیه انسانی برای بقا را تهدید می‌کند و یا با ایجاد بی‌اعتمادی و تفرقه در میان گروه‌های داخلی، ایجاد بی‌اعتمادی به توانایی نظام سیاسی در حمایت از مردم و تضعیف نظام اقتصادی برای کاهش اعتماد به قابلیت آن را دنبال کرد (Boyd, 2007).

۲-۴. قدرت نرم، جنگ نرم و جنگ مردم‌محور

قدرت نرم^۱ که توسط جوزف نای مطرح شد، در سیاست (به‌ویژه در سیاست بین‌الملل)، عبارت است از توانایی جذب و انتخاب. به عبارت دیگر، قدرت نرم شامل شکل دادن به ترجیحات دیگران از طریق جذابیت و جذب است. یکی از ویژگی‌های تعیین‌کننده قدرت نرم این است که اجباری نیست. قدرت نرم شامل فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست‌های خارجی است (Nye, 2004).

مفهوم «قدرت نرم» به توانایی یک کشور برای متقاعد کردن دیگران برای انجام آنچه می‌خواهد از طریق جذب اشاره دارد - نه از طریق اجبار یا انگیزه‌های اقتصادی که می‌تواند از مظاهر قدرت سخت باشد. بنابراین، قدرت نرم در مورد شکل دادن به ترجیحات دیگران از طریق همکاری به جای اجبار آن‌ها است (Jones, 2019).

«جان کالینز» نظریه‌پرداز دانشگاه ملی جنگ آمریکا، جنگ نرم را عبارت از «استفاده طراحی‌شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن، برای نفوذ در مختصات فکری دشمن با توسل به شیوه‌هایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی مجری می‌شود» می‌داند. ارتش آمریکا در آیین رزمی خود آن را به این صورت تعریف نموده است: «جنگ نرم، استفاده دقیق و طراحی‌شده از تبلیغات و دیگر اعمالی است که منظور اصلی آن اثرگذاری بر عقاید، احساسات، تمایلات و رفتار دشمن، گروه بی‌طرف و یا گروه‌های دوست است به گونه‌ای که برای برآوردن مقاصد و اهداف ملی پشتیبان باشد» (Mortazavi Emami e, 2014).

از سال ۱۹۴۵، پارادایم جدیدی به وجود آمد که «اسمیت» آن را «جنگ در میان مردم» می‌نامد. ظهور جنگ در میان مردم، از نظر اسمیت، مانع از جنگ‌های متعارف نیست. دیگر هدف این نیست که «به‌زور به یک نتیجه تعیین‌کننده با استفاده مستقیم از نیروی نظامی دست یابیم». در عوض، اسمیت معتقد است هدف «اثرگذاری بر حریف، تغییر یا شکل‌دهی یک قصد، ایجاد یک شرط و مهم‌تر از همه، پیروز شدن در برخورد اراده است». از نظر وی، جنگ بین مردم شش ویژگی دارد که همگی مربوط به جنگ‌های پس از ۱۹۴۵ است:

- (۱) اهداف، اهداف انعطاف‌پذیری هستند زیرا مخاطبان آن غیرنظامیان‌اند؛
- (۲) غیرنظامیان در میدان جنگ ازدحام می‌کنند، هم به معنای واقعی کلمه و هم به شکل مجازی از طریق رسانه‌ها؛
- (۳) کشمکش‌ها «بی‌زمان» هستند و دهه‌ها را در برمی‌گیرد؛
- (۴) دولت‌ها از خطر گریزان هستند و «برای از دست ندادن نیرو می‌جنگند»؛
- (۵) سلاح‌های قدیمی عصر صنعتی همچنان ابزار جنگ هستند؛
- (۶) طرفین اغلب بازیگران غیردولتی هستند، خواه ائتلاف یا گروه چریکی باشند (Marks, Gorka, and Sharp, 2012).

این تغییر پارادایم بر این تصور استوار است که برای ایجاد ثبات پایدار، باید حمایت مردمی ایجاد شود. نکته کلیدی، آمیختن و همکاری با مردم در محیط‌های پویا و خشن برای ایجاد شرایطی است که عناصر افراطی نتوانند در آن به راحتی به فعالیت‌های خود ادامه دهند (Maan, 2015).

بنابراین، برخلاف قدرت نرم و جنگ نرم که سوژه اصلی و مستقیم آنها دولت یا گروه‌های متخاصم است، در جنگ مردم‌محور سوژه اصلی مردم هستند که طرفین درگیری به دنبال جلب حمایت مردم به نفع خود هستند. این جلب حمایت می‌تواند از طریق روش‌های خشنی مانند فشارهای اقتصادی، حمله به زیرساخت‌ها و امثال آن باشد

تا محیطی ناامن و ناپایدار ایجاد شود به گونه‌ای که مردم از حمایت حاکمیت موجود (که در نظرشان ناکارآمد جلوه کرده است) دست بردارند و به حمایت از طرف مقابل بپردازند.

۳. یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل آنها

۳-۱. کدگذاری باز

در این مرحله عمل مفهوم‌پردازی از داده‌ها انجام می‌شود. برای این منظور، از میان داده‌های خام مفاهیم اولیه استخراج و سپس بر اساس این مفاهیم مقوله‌های اولیه یا فرعی و از ترکیب آنها مقوله‌های اصلی به دست آمدند که در جدول شماره (۳) ارائه شده‌اند.

جدول شماره (۳): مفاهیم و مقوله‌ها

مقوله اصلی	مقوله‌های فرعی	مفاهیم
مطالبه‌گری اجتماعی و معیشتی زنان و جوانان	انتظار بالای جوانان و زنان برای آزادی‌های اجتماعی و تأمین معاش	انتظار بالای جوانان و زنان برای آزادی‌های اجتماعی و تأمین معاش، بیکاری نسل جوان، جذب قشر جوانان، کارآفرینان و نخبگان توسط غرب، جمعیت به نسبت جوان ایران خواستار مشارکت و تعامل با جهان
تحریکات قومی مذهبی	تنش‌های قومی مذهبی رشد اقلیت مسیحی مطالبات بالای قومی مذهبی	افزایش تنش‌های قومی، فشارهای جدایی‌طلبی، متمرکز بودن اقلیت‌های ایران از نظر جغرافیایی، آذری‌های ایران یک اقلیت به شدت تحت فشار، رشد فزاینده مسیحیت پروتستان در ایران، وقوع درگیری‌های قومی و انتظارات بالای قومی مذهبی
ضعف اقتصادی ج.ا.ایران (اقتصاد تک‌محصولی و رانتی، بیکاری، محرومیت‌ها)	وابستگی اقتصاد به نفت و گاز فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم رشد اندک اقتصادی	اقتصاد نابسامان و رانتی، ساختار یافتگی اقتصاد رانتی ایران در آینده، رقابت داخلی برای واپایش منابع کشور، وابستگی به درآمدهای نفتی، قدیمی بودن و ناکارآمدی صنایع بخش نفت ایران، رشد اندک اقتصادی، افزایش مصرف‌گرایی در مردم، ایجاد انتظارات اقتصادی بالا در مردم، تحریم‌های خارجی
هدایت مردم ایران به سوی اعتراض و نارضایتی از هزینه‌ها و	هزینه‌های نظامی عامل مهم وضعیت نابسامان اقتصادی اولویت دادن به اقتصاد به جای	ایجاد این احساس در مردم که یکی از عوامل مهم وضعیت موجود اقتصاد کشور هزینه‌هایی است که صرف فعالیت‌های نظامی و دفاعی شده و می‌شود؛ در این حالت

مفاهیم	مقوله‌های فرعی	مقوله اصلی
خواسته مردم آن خواهد بود که این هزینه‌ها به مسائل غیرنظامی اختصاص داده شود، صرف منابع برای توسعه قدرت نظامی، مجادلات عمیق سیاسی در داخل ایران پیرامون اولویت‌بندی میان اهداف نظامی و غیرنظامی، تنش بین دولت و نیروهای مسلح بر سر بودجه، زیرسؤال بردن فعالیت‌های تحقیقاتی دفاعی توسط مردم (در شرایط سخت اقتصادی کنونی چرا باید پول‌ها را صرف تهیه و تولید تسلیحات کرد؟)،	توان نظامی فشار برای کاهش بودجه نظامی	برنامه‌های دفاعی و نظامی
حمایت مردم از تغییر، برجام یک فرصت برای مردم ایران جهت تغییر آینده‌شان، منحرف کردن حس قوی میهن‌دوستی ایرانیان نسبت به برنامه هسته‌ای، برجام به مردم ایران این فرصت را می‌دهد که آینده‌شان را تغییر دهند، هدایت مردم جهت تغییر در ایران، عدم تمایل مردم به یک دولت تندرو	برجام فرصتی برای تغییر آینده‌شان عدم تمایل مردم به یک دولت تندرو	القا و هدایت مردم ایران برای تغییر نظام
تقویت روایت مثبت در مردم ایران در رابطه با آمریکا، خاتمه یافتن دشمنی شدید ایران (حداقل در مردم) نسبت به آمریکا، رژیم صهیونیستی، القای اینکه دولت‌های غربی با پیشرفت‌های اقتصادی و فناورانه ایران مخالف نیستند، تقاضای مردم برای عادی‌سازی شرایط با آمریکا و رژیم اشغالگر قدس، به حاشیه راندن تفکر مقاومت در برابر آمریکا، کاهش فاصله پیش‌آمده میان ایران و آمریکا	القای وجهه مثبت از آمریکا در مردم ایران القای وجهه مثبت از رژیم صهیونیستی در مردم ایران کاهش فاصله میان آمریکا و ایران	شکستن قبح ارتباط با آمریکا و رژیم صهیونیستی نزد مردم
تسخیر ذهن و قلب عموم مردم ایران و همچنین نخبگان آن توسط آمریکا، امکان تحول کشور فقط توسط مردم ایران، ایجاد بستری توسط آمریکا تا مردم ایران خود مشروعیت نظام کشورشان را زیر سؤال ببرند، زیر سؤال بردن مشروعیت نظام کشور توسط مردم، این مردم ایران هستند که باید مشروعیت حکومت خود را تعیین نمایند، امکان تحول کشور فقط توسط مردم ایران	تأثیر بر ذهن عموم مردم تأثیر بر ذهن نخبگان کاهش دادن مشروعیت نظام نزد مردم مردم عامل اصلی تحول	جدا کردن مردم از نظام ج.ا.ایران مهم‌ترین عامل به‌زانو درآمدن حاکمیت

مفاهیم	مقوله‌های فرعی	مقوله اصلی
چنددستگی‌های سیاسی، رقابت بین نهادهای مذهبی و غیرمذهبی، چنددستگی و وجود شکاف عمیق در حکومت، وجود ساختارهای قدرت متعدد و رقیب، افزایش بی‌ثباتی سیاسی، نزاع بالقوه بین اصلاح‌طلبان و نظامیان، جدایی بین نیروهای ارتش و سپاه: سپاه اصولگرا، ارتش اصلاح‌طلب	چنددستگی‌های سیاسی و جناحی و وجود کانون‌های قدرت متعدد و رقیب تقسیم نهادها به مذهبی و غیرمذهبی واگرایی بین ارتش و سپاه	افزایش چنددستگی و بی‌ثباتی سیاسی در ایران
رهبری و جانشینی او، رهبر فعلی مخالف غرب، قدرت روحانیون و رهبر، قدرت بالای رهبری، فلج‌شدن رهبری در برابر دسته‌بندی‌ها، تلاش برای یک جانشین رهبری میانه‌روتر، رهبر بعدی یک فرد انعطاف‌پذیرتر و میانه‌روتر، تعیین یک رهبر برای مخالفان ایرانی	رهبری فعلی ایران مانعی برای غرب فلج کردن رهبری ایران توسط جناح‌ها	تضعیف جایگاه رهبری
حمایت از جبهه مقاومت، رقابت تسلیحاتی بین ایران و کشورهای منطقه، توانایی‌های ایران در جنگ نامتقارن، راهبرد کنونی ایران مبنی بر «دفاع تهاجمی» از منافع و امنیت ملی صدها کیلومتر دورتر از مرزهای سیاسی کشور، بدبین شدن مردم نسبت به فعالیت‌های نظامی و دفاعی ایران در خارج از ایران	حضور نظامی ایران در منطقه راهبرد دفاع تهاجمی ایران قابلیت نظامی در جنگ نامتقارن حمایت از کشورهای مقاومت	عمق نفوذ راهبردی ایران
رهایی از دخالت بیش‌ازحد حکومت در هنجارهای فرهنگی اجتماعی، ترویج ملی‌گرایی در برابر دینی، ایجاد اصلاحات در جهت ملی‌گرایی و غرب‌گرایی، افزایش آزادی‌های اجتماعی غربی، آزاد کردن رسانه‌ها، مسیحی کردن ایرانیان، ترویج آزادی مذهبی در ایران، مثبت کردن نگاه جوانان ایرانی با برنامه‌های فرهنگی، مذهبی و ورزشی نسبت به ارزش‌های آمریکایی، روحانیون و مراجعی که اعتقاد به جدایی دین از سیاست دارند	ترویج ملی‌گرایی در برابر دین‌گرایی، آزادی‌های اجتماعی، فرهنگی به سبک غربی، آزادی بیان به سبک غربی، آزادی مذهبی و ترویج ارزش‌های غربی از طریق برنامه‌های فرهنگی، مذهبی و ورزشی	هدایت جامعه به سوی سبک زندگی غربی
نفوذ در دستگاه سیاسی و امنیتی، مقامات بلندپایه میانه‌رو، گروه ایرانی - آمریکایی‌ها، افراد دو تابعیتی، سازمان‌های به‌ظاهر مردم‌نهاد، فرزندان ایرانیان مهاجر در غرب، دانشمندان و نخبگان علمی ایران، سازمان‌های مدنی آمریکایی، رؤسای دانشگاه‌های مهم آمریکا و تهران، پارلمان آنلاین برای مردم ایران، برگزاری نشست‌های	نفوذ در دستگاه‌های سیاسی امنیتی نفوذ در دانشمندان و نخبگان نفوذ در مقامات بلندپایه نفوذ اقتصادی در ایران نفوذ نخبگان در سیاستگذاری	نفوذ غرب‌گرایان در ارکان تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری ج.ا.ایران

مفاهیم	مقوله های فرعی	مقوله اصلی
علمی میان ایران و اروپا- آمریکا (دیپلماسی علمی)، کسب اطلاعات راهبردی از حوزه های گوناگون جمهوری اسلامی توسط ایرانی- آمریکایی ها، سهام دارانی که به صورت رسمی یا غیررسمی به مراکز اصلی قدرت دسترسی دارند و به طور ویژه با سهام داران غربی رابطه دارند، شبکه جهانی متشکل از نخبگان موسوم به «رهبران جوان جهانی»، نخبگان اقتصادی ایران بانفوذ در جامعه، نفوذ اقتصادی بر ایران		
ایجاد ابزار کنترلی برای کنترل رفتارهای ناهنجار احتمالی ایران توسط نهادهای تجاری غرب، ممانعت از استفاده ایران از شبکه پولی و بانکی بین المللی، دشوار کردن انجام اصلاحات اقتصادی در ایران	کنترل شبکه پولی و مالی ایران کنترل اقتصادی ایران جلوگیری از اصلاحات اقتصادی	ممانعت از تحقق اقتصاد مقاومتی
سپاه را در فهرست تروریست ها قرار دادن، شناسایی و محدود کردن منابع مالی سپاه، ممانعت از هرگونه انتقال پول از سوی ایران به گروه های گفته شده، نفوذ سپاه و نیروهای انقلابی در نهادهای کشور و نظامی شدن تدریجی نهادهای سیاسی	قدرت گرفتن روزافزون سپاه در داخل حضور روزافزون سپاه در خارج	افزایش قدرت و نفوذ سپاه در داخل و خارج از ایران
جذب قشر جوانان، کارآفرینان و نخبگان، اجرای طرح ها و فعالیت های تجاری جدید برای تقویت جوانان و کارآفرینان ایرانی، استفاده از مشارکت تعداد قابل توجهی از کارآفرینان ایرانی و مدیران شرکت های بزرگ IT، برجسته کردن سیاستمداران سکولار، سیاسیون طرفدار غرب، ارتباط با دیپلمات های ایرانی، افراد و سیاستمداران میانه رو	جذب نخبگان ایران هم صدا کردن نخبگان با غرب ارتباط با سیاستمداران سکولار	هم صدایی برخی از نخبگان (سیاسی، اقتصادی، علمی و ...) ج.ا.ایران با غرب
کنار آمدن با آمریکا و رژیم صهیونیستی، تبدیل ایران به یک قدرت نوظهور منطقه ای وابسته به آمریکا، کنار گذاشتن برداشت ها و اظهارات منفی به جامانده از دهه ها سوءظن و دشمنی، تبدیل ایران از خرابکار خطرناک و انقلابی به شریکی میانه رو و سازنده در مسائل بین المللی، تبدیل ایران به یک شریک همزبونی به رهبری غرب، تشکیل یک ایران جدید	تبدیل ایران از یک کشور مشکل ساز به یک کشور همراه با غرب، تبدیل ایران به یک کشور وابسته به غرب، تبدیل ایران به یک شریک غرب	ایران به عنوان یک شریک راهبردی آمریکا

مفاهیم	مقوله‌های فرعی	مقوله اصلی
حمایت از جریان مخالفان علیه جمهوری اسلامی و ایجاد توازن، تقویت جبهه سیاسیون ایرانی طرفدار غرب، تقویت جناح میانه‌روی داخل ایران، جلوگیری از به قدرت رسیدن مجدد تندرها	حمایت از مخالفان میانه‌رو داخلی، تقویت غرب‌گرایان داخلی، تضعیف جناح تندرو	حمایت از گروه‌های غیر خشن مخالف و تضعیف انقلابیون
تضعیف ایدئولوژی حاکمیت، انتقال قدرت از روحانیون به سیاستمداران سکولار، تعیین جایگزین جدید (ملی‌گرایی ایرانی)، بازگشت به اصلاح‌طلبی، رقابت بین نهادهای مذهبی و غیرمذهبی، ترویج ملی‌گرایی در برابر حکومت دینی، ایجاد اصلاحات در جهت ملی‌گرایی و غرب‌گرایی، افزایش آزادی‌های اجتماعی غربی، آزاد کردن رسانه‌ها	جایگزین کردن ملی‌گرایی ایرانی تقویت جبهه سکولارها	تغییر نظام دینی ج.ا.ایران به یک نظام ملی‌گرای ایرانی سکولار
اگر سیاست‌های اقتصاد مقاومتی با موفقیت اجرا شود، قدرت آمریکا را در اعمال تحریم‌ها علیه ایران به‌طور اساسی کاهش خواهد داد... در صورت شکست مذاکرات [برجام] و تداوم تحریم‌ها، ایران راهکار جایگزین را دارد: اقتصاد مقاومتی.	کاهش قدرت آمریکا توسط اقتصاد مقاومتی خنثی کردن تحریم‌ها توسط اقتصاد مقاومتی	رهنامه اقتصاد مقاومتی

این نتایج دوباره با چندتن از صاحب‌نظران در میان گذاشته شد و در یک جلسه خبرگی نیز ارائه شد که پس از اعمال نظرات آنها، مقوله‌های اصلی به‌دست‌آمده در جدول شماره (۴) آمده است.

جدول شماره (۴): مقوله‌های اصلی

ردیف	مقوله اصلی	ردیف	مقوله اصلی
۱	مردم مهم‌ترین عنصر اقتدار ج.ا.ایران	۱۴	کاهش توان بسیج‌کنندگی حاکمیت
۲	جدا کردن مردم از نظام ج.ا.ایران مهم‌ترین عامل به‌زانو درآمدن حاکمیت	۱۵	هدایت مردم ایران به سوی اعتراض و نارضایتی از هزینه‌ها و برنامه‌های دفاعی و نظامی
۳	تحریکات و تنش‌های قومی و مذهبی	۱۶	مطالبه‌گری اجتماعی زنان و جوانان
۴	شکستن قبح ارتباط با آمریکا و رژیم صهیونیستی	۱۷	حمایت از گروه‌های غیرخشن مخالف و تضعیف انقلابیون
۵	افزایش چنددستگی و بی‌ثباتی سیاسی در ج.ا.ایران	۱۸	هدایت مردم به سوی این نگرش که توسعه و بهبود اقتصادی بدون کمک غرب امکان‌پذیر نیست

ردیف	مقوله اصلی	ردیف	مقوله اصلی
۶	افزایش عمق راهبردی ج.ا.ایران (سوریه، لبنان، عراق، یمن، ...)	۱۹	تغییر نظام دینی ج.ا.ایران به یک نظام ملی‌گرای ایرانی سکولار
۷	هم‌صدایی برخی از نخبگان (سیاسی، اقتصادی، علمی و ...) ج.ا.ایران با غرب	۲۰	ضعف اقتصادی ج.ا.ایران (اقتصاد تک‌محصولی و رانتی، بیکاری، محرومیت‌ها)
۸	نفوذ غرب‌گرایان در ارکان تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری ج.ا.ایران	۲۱	کاهش تاب‌آوری جامعه و وقوع اعتراضات و شورش‌های مدنی
۹	تداوم تحریم‌های چندین ساله	۲۲	از بین بردن خودتکایی و قابلیت‌های دفاعی
۱۰	هدایت مردم ایران برای تغییر نظام	۲۳	ممانعت از تحقق اقتصاد مقاومتی
۱۱	هدایت مردم به سوی سبک زندگی غربی	۲۴	محوشدن ارزش‌ها و هنجارهای انقلاب اسلامی
۱۲	افزایش قدرت و نفوذ سپاه در داخل و خارج از ایران	۲۵	استفاده از مردم ایران علیه نظام ج.ا.ایران توسط آمریکا
۱۳	اعلام رهنامه اقتصاد مقاومتی توسط ج.ا.ایران		

۳-۲. کدگذاری محوری

کدگذاری محوری مرحله دوم تجزیه و تحلیل در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد به روایت «استراوس و کوربین» است. هدف این مرحله برقراری رابطه بین مقولات تولیدشده در مرحله کدگذاری باز است. این کار براساس یک الگو و سرمشق جامع و کلی موسوم به «الگوی پارادایم» انجام می‌شود و به نظریه‌پرداز کمک می‌کند تا نظریه فرایند اجتماعی مورد مطالعه را راحت‌تر توسعه دهد. اساس فرایند ارتباط‌دهی در کدگذاری محوری بر تمرکز و تعیین یک مقوله به‌عنوان مقوله محوری یا اصلی قرار داشته و سپس سایر مقولات به‌عنوان مقولات فرعی زیر عناوین مختلف الگوی پارادایم به مقوله اصلی ارتباط داده می‌شوند.

الف. مقوله محوری: پدیده اصلی (هسته) مورد مطالعه است. پدیده مورد نظر، ایده و فکر محوری، اتفاق یا واقعه‌ای است که جریان کنش‌ها و واکنش‌ها به‌سوی آن رهنمون می‌شوند تا آن را اداره، واپایش و یا پاسخ دهند. مقوله محوری پدیده‌ای است که اساس فرایند است. با توجه به سؤال و مقوله‌های به‌دست آمده، به نظر می‌رسد «استفاده از مردم ایران علیه نظام ج.ا.ایران توسط آمریکا» می‌تواند به‌عنوان مقوله محوری در نظر گرفته شود.

ب. **شرایط علمی:** شرایطی هستند که مقوله اصلی را تحت تأثیر قرار داده و به وقوع یا گسترش پدیده موردنظر می‌انجامد. با توجه به پدیده محوری و با نگاه منظم به داده‌ها و بازبینی رویدادها و وقایعی که از نظر زمانی مقدم بر پدیده موردنظرند، شرایط علمی استخراج شده‌اند که عبارت‌اند از:

- (۱) مردم مهم‌ترین عنصر اقتدار ج.ا.ایران؛
 - (۲) جدا کردن مردم از نظام ج.ا.ایران مهم‌ترین عامل به‌زانو درآمدن حاکمیت.
- ج. **شرایط مداخله‌گر:** شرایط ساختاری که به پدیده اصلی تعلق دارند و بر راهبردهای کنش و واکنش اثر می‌گذارند و راهبردها را در درون زمینه خاصی سهولت می‌بخشند و یا آنها را محدود و مقید می‌کنند. بررسی مقوله‌های اصلی نشان می‌دهند که عوامل مداخله‌گر عبارت‌اند از:

- (۱) هم‌صدایی برخی از نخبگان (سیاسی، اقتصادی، علمی و ...) ج.ا.ایران با غرب؛
 - (۲) نفوذ غرب‌گرایان در ارکان تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری ج.ا.ایران؛
 - (۳) تداوم تحریم‌های چندین ساله علیه ج.ا.ایران؛
 - (۴) اعلام رهنامه اقتصاد مقاومتی توسط ج.ا.ایران؛
 - (۵) افزایش قدرت و نفوذ سپاه در داخل و خارج از ایران؛
- د. **راهبردها:** راهبردها مبتنی برکنش‌ها و واکنش‌هایی برای واپایش، اداره و برخورد با پدیده موردنظر هستند. راهبردها مقصود داشته، هدفمند بوده و به دلیلی صورت می‌گیرند. همواره شرایط مداخله‌گری نیز حضور دارند که راهبردها را سهولت می‌بخشند و یا آن را محدود می‌سازند. این راهبردها که توسط آمریکا اتخاذ شده‌اند عبارت‌اند از:

- (۱) هدایت مردم ایران برای تغییر نظام؛
- (۲) هدایت مردم به سوی سبک زندگی غربی؛
- (۳) تحریک اقوام و مذاهب؛
- (۴) حمایت از گروه‌های غیرخشن مخالف و تضعیف انقلابیون؛

(۵) هدایت مردم به سوی این نگرش که توسعه و بهبود اقتصادی بدون کمک و روش‌های غرب امکان‌پذیر نیست؛

(۶) هدایت مردم به سوی اعتراض و نارضایتی از هزینه‌ها و برنامه‌های دفاعی و نظامی.

ه) پیامدها: پیامدها نتایج و حاصل کنش‌ها و واکنش‌ها هستند. پیامدها را همواره نمی‌توان پیش‌بینی کرد و الزاماً همان‌هایی نیستند که افراد قصد آن را داشته‌اند. پیامدها ممکن است حوادث و اتفاقات باشند، شکل منفی به خود بگیرند، واقعی یا ضمنی باشند و در حال یا آینده به وقوع بپیوندند. همچنین این امکان وجود دارد که آنچه در برهه‌ای از زمان پیامد به شمار می‌رود در زمانی دیگر به بخشی از شرایط و عوامل تبدیل شود. پیامدهای مورد انتظار آمریکا عبارت‌اند از:

(۱) کاهش تاب‌آوری جامعه؛

(۲) کاهش توان بسیج‌کنندگی حاکمیت؛

(۳) تغییر نظام دینی ج.ا.ایران به یک نظام ملی‌گرای ایرانی سکولار؛

(۴) عدم تحقق اقتصاد مقاومتی و تبدیل ایران از یک کشور قدرتمند سیاسی و اقتصادی

مستقل به یک کشور هم‌پیمان وابسته به غرب؛

(۵) از بین بردن خوداتکایی و قابلیت‌های دفاعی کشور؛

(۶) محوشدن ارزش‌ها و هنجارهای انقلاب اسلامی.

۳-۳. کدگذاری انتخابی

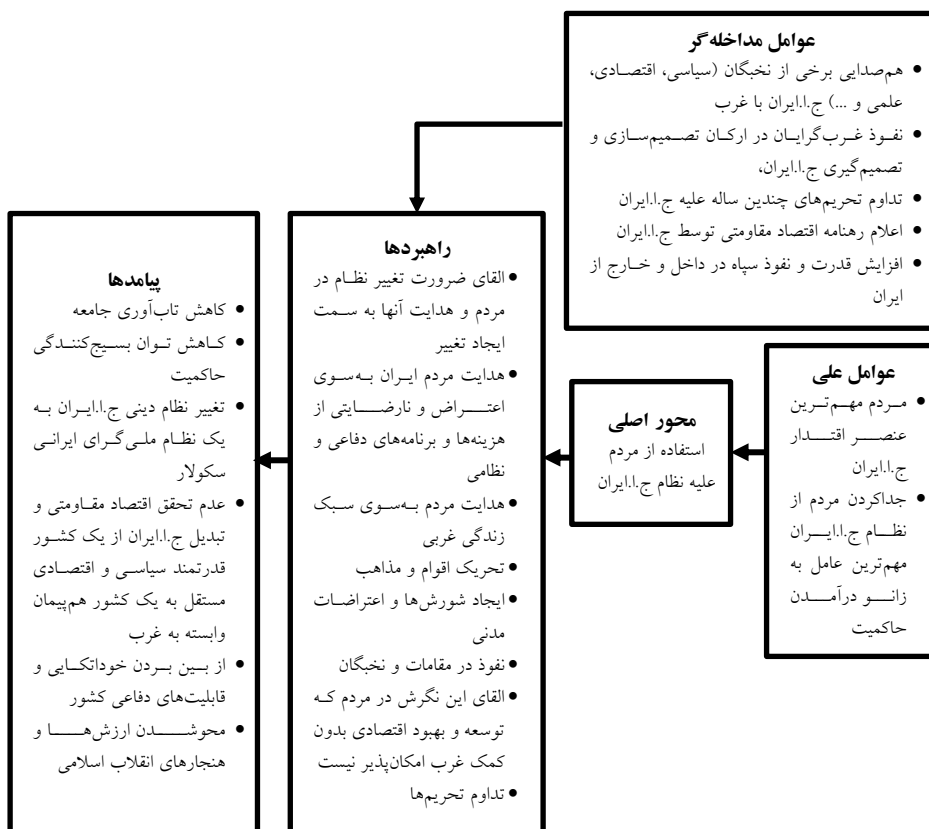
هدف روش داده‌بنیان، تولید نظریه یا روایتی خاص است نه توصیف صرف پدیده. با توجه به مقوله‌های استخراج‌شده، الگوی پارادایمی نهایی و روایت حاصل از آن به دست آمد (شکل شماره ۲). بر اساس روایت این الگو، آمریکا به دنبال استفاده از مردم کشور علیه نظام ج.ا.ایران است. دلیل وقوع این پدیده، آن است که «مردم» مهم‌ترین عنصر اقتدار ج.ا.ایران بوده و جدا کردن مردم از نظام ج.ا.ایران مهم‌ترین عامل به‌زانو درآمدن این نظام خواهد بود. در این میان، وجود عواملی مانند هم‌صدایی برخی از نخبگان (سیاسی، اقتصادی، علمی و...)

با غرب، نفوذ غرب‌گرایان داخلی در ارکان تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، تداوم تحریم‌های چندین ساله علیه کشور، اعلام رهنامه اقتصاد مقاومتی توسط مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی)، افزایش قدرت و نفوذ سپاه در داخل و خارج از ایران، افزایش روزافزون توان دفاعی کشور باعث شده تا آمریکا راهبردهای خاصی را برای به بازی گرفتن مردم اتخاذ کند.

در این راستا، آمریکا به دنبال آن است که از طریق ترویج ملی‌گرایی و ایجاد اصلاحات در جهت ملی‌گرایی و غرب‌گرایی در برابر حکومت دینی، تلاش برای جدایی جوانان از روحانیت و سپاه و گرایش به ملی‌گرایی و غرب، برگزاری نشست‌های علمی میان ایران و اروپا- آمریکا (دیپلماسی علمی)، همکاری‌ها میان جوامع دانشگاهی ایران و آمریکا و اروپا و پذیرش دانشجویان ایرانی در دانشگاه‌های آمریکا، ترویج آزادی مذهبی و مسیحی کردن ایرانیان، حمایت علنی از روحانیان و آیت‌الله‌هایی که خواستار جدایی دین از سیاست هستند، مثبت کردن نگاه جوانان ایرانی نسبت به ارزش‌های آمریکایی از طریق برنامه‌های فرهنگی، مذهبی و ورزشی، ارتباط با ایرانیان معتدل و مردم عادی و بهبود چهره آمریکا در نظر مردم ایران، سوق دادن جوانان و زنان برای پیگیری آزادی‌های اجتماعی و اشتغال، کاهش دخالت بیش‌ازحد حاکمیت در هنجارهای فرهنگی اجتماعی، مردم را به سوی سبک زندگی غربی هدایت کند. همچنین، با تحریک اقوام و مذاهب به دنبال اشاعه تفکر تکفیری (شیعی و سنی) و اشاعه تفکرات ملی‌گرایی و قوم‌گرایی خواهد بود.

همچنین، با برقراری رابطه با عامه مردم ایران و نخبگان آنها و قبولاندن آنکه غرب با پیشرفت‌های اقتصادی و فناوریانه ایران مخالف نیست، کمک به آزادسازی بازار، حذف موانع سرمایه‌گذاری خارجی و انجام سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و حرکت به سمت اقتصاد غربی، نفوذ اقتصادی بر ایران، سرمایه‌گذاری هدفمند در ایران، ممانعت از استفاده از شبکه بانکی بین‌المللی توسط ایران و القای پرداختن به مسائل غیرنظامی و کم‌رنگ کردن فعالیت‌های نظامی مردم را به سوی این نگرش هدایت می‌کند که توسعه و بهبود اقتصادی بدون کمک و روش‌های غرب امکان‌پذیر نیست.

آمریکا از طریق به حاشیه راندن تفکر مقاومت و شهادت در برابر نظام سلطه در میان جامعه، ایجاد این تصور که بهبود اقتصادی و ایجاد رفاه نسبت به برنامه‌های دفاعی در اولویت است، ایجاد این تصور که ارتش به‌سوی اصلاح‌طلبان و سپاه به سوی اصول‌گرایان گرایش دارند و اینکه توسعه حاصل نمی‌شود مگر با حذف برنامه‌های دفاعی و نظامی (مانند ژاپن و آلمان)، مردم ایران را به‌سوی اعتراض و نارضایتی از هزینه‌ها و برنامه‌های دفاعی و نظامی سوق دهد. آمریکا انتظار دارد پیامد چنین رفتاری، افزون‌بر ممانعت از تحقق اقتصاد مقاومتی و از بین بردن خوداتکایی و قابلیت‌های دفاعی ایران، درنهایت، محوشدن ارزش‌ها و هنجارهای انقلاب اسلامی و تغییر نظام دینی ج.ا.ایران به یک نظام ملی‌گرای ایرانی سکولار و وابسته به غرب باشد.



شکل شماره (۱): الگوی پارادایمی استفاده از مردم علیه ج.ا.ایران توسط آمریکا

۴. نتیجه‌گیری

۴-۱. جمع‌بندی

پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال بوده که با توجه به جایگاه و نقش ج.ا.ایران در منطقه و جهان و در کانون توجه قرارگرفتن این جایگاه توسط غرب، آمریکا در رفتارهای احتمالی خود علیه ج.ا.ایران برای رسیدن به اهداف خود چگونه بر مردم ایران اثر می‌گذارد؟ برای این منظور از روش کیفی و نظریه‌پردازی داده‌بنیاد استفاده شده است. در راستای پاسخ به سؤال‌های فرعی می‌توان گفت:

(۱) عوامل علی از نگاه آمریکا عبارت‌اند از: (الف) مردم مهم‌ترین عنصر اقتدار ج.ا.ایران و (ب) جدا کردن مردم از نظام ج.ا.ایران مهم‌ترین عامل به‌زانو درآمدن حاکمیت. (۲) عوامل مداخله‌گر عبارت‌اند از: (الف) هم‌صدایی برخی از نخبگان (سیاسی، اقتصادی، علمی و ...) ج.ا.ایران با غرب، (ب) نفوذ غرب‌گرایان در ارکان تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری ج.ا.ایران، (پ) تداوم تحریم‌های چندین ساله علیه ج.ا.ایران، (ت) اعلام رهنامه اقتصاد مقاومتی توسط ج.ا.ایران، (ث) افزایش قدرت و نفوذ سپاه در داخل و خارج از ایران.

(۳) راهبردها عبارت‌اند از: (الف) هدایت مردم ایران برای تغییر نظام، (ب) هدایت مردم ایران به‌سوی اعتراض و نارضایتی از هزینه‌ها و برنامه‌های دفاعی و نظامی، (پ) هدایت مردم به‌سوی سبک زندگی غربی، (ت) تحریک اقوام و مذاهب، (ث) حمایت از گروه‌های غیرخشن مخالف و تضعیف انقلابیون و (ج) هدایت مردم به‌سوی این نگرش که توسعه و بهبود اقتصادی بدون کمک و روش‌های غرب امکان‌پذیر نیست.

(۴) پیامدهای مورد انتظار آمریکا عبارت‌اند از: (الف) کاهش تاب‌آوری جامعه، (ب) کاهش توان بسیج‌کنندگی حاکمیت، (پ) تغییر نظام دینی ج.ا.ایران به یک نظام ملی‌گرای ایرانی سکولار، (ت) عدم تحقق اقتصاد مقاومتی و تبدیل ایران از یک کشور قدرتمند سیاسی و اقتصادی مستقل به یک کشور هم‌پیمان وابسته به غرب، (ث) از بین بردن خوداتکایی و قابلیت‌های دفاعی کشور، (ج) محو شدن ارزش‌ها و هنجارهای انقلاب اسلامی.

بنابراین، در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش می‌توان گفت که یافته‌ها نشان می‌دهد آمریکا به‌خوبی نقش و تأثیر حیاتی حمایت مردم ایران بر ثبات و پایداری نظام ج.ا.ایران را درک کرده است. بنابراین تلاش خود را بر اثرگذاری مؤثر بر مردم به روش‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، دفاعی و ... قرار داده است به‌گونه‌ای که حس ناامیدی از کارآمدی نظام فعلی ج.ا.ایران را در مردم ایجاد نموده تا حمایت آنها را از حاکمیت و نظام تضعیف کند. درواقع، آمریکا به این نتیجه رسیده که در مقابله با ج.ا.ایران، «مردم ایران» سوژه و قلمرو اصلی جنگ هستند نه جنگ فیزیکی صرف و جدا کردن مردم از حاکمیت و نظام دینی باعث تضعیف دیگر ابزار قدرت ملی ج.ا.ایران خواهد شد. نتیجه این رفتار باعث می‌شود تا از یک‌سو «توان تاب‌آوری جامعه» و «توان بسیج‌کنندگی حاکمیت و نظام ج.ا.ایران» کاهش یافته و از سوی دیگر توان بسیج‌کنندگی آمریکا و دشمنان ج.ا.ایران افزایش یابد.

۲-۴. پیشنهادها

۱-۲-۴. پیشنهادهای اجرایی

(۱) بازنگری نقش مردم در ثبات اقتدار و امنیت ملی توسط سیاستمداران و مسئولان؛ به‌منظور حفظ حضور مردم در صحنه و افزایش تاب‌آوری و توان بسیج‌کنندگی حاکمیت، بایستی سیاستمداران کشور به این درک برسند که مردم ستون‌های استوار دین و اجتماعات پرشور مسلمین و نیروهای ذخیره دفاعی هستند [نه خواص و نزدیکان]، پس باید به آنها گرایش داشته و اشتیاقشان به آنها باشد.^۱

(۲) در اولویت قرار دادن اصلاح وضعیت اقتصادی کشور و به مشارکت گرفتن جدی و واقعی مردم در این امر؛

(۳) در اولویت قرار دادن مبارزه با فساد اداری به‌منظور افزایش کارآمدی نظام و بالا بردن اعتماد عمومی؛

۱. اقتباس از نامه امیرالمومنین علی^(ع) به مالک اشتر

- (۴) شناسایی عوامل نفوذی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و حذف آنها از جایگاه‌های تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی؛
- (۵) فعال شدن مراکز و نهادهای علمی و فرهنگی برای مقابله راسخ با جنگ روایت‌ها و ایده‌های آمریکا و غرب علیه مردم ایران به‌ویژه از طریق محتواسازی اسلامی با استفاده از فضای سایبر و شبکه‌های اجتماعی به‌منظور ترویج سبک زندگی اسلامی؛
- (۶) نیروهای مسلح بایستی خدمات سازندگی خود را هر چه بیشتر در معرض دید افکار عمومی قرار دهند. بنابراین، به وجود سامانه رسانه‌ای قدرتمند در کنار خود نیاز دارند.

۴-۲-۲. پیشنهادهای پژوهشی

پژوهش‌های زیر در تکمیل این تحقیق می‌تواند انجام گیرد:

- (۱) نقش مردم در ثبات و پایداری ج.ا.ایران در بیان امام خمینی^(ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی)؛
- (۲) شناسایی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری جامعه و چگونگی افزایش آن در مقابل رفتارهای آمریکا و دشمنان؛
- (۳) شناسایی عوامل اثرگذار بر قدرت بسیج‌کنندگی ج.ا.ایران و الزامات تحقق آن.



فهرست منابع

الف. منابع فارسی

۱. کرسول، جان دبلیو (۲۰۰۷). *طرح پژوهش (رویکردهای کمی، کیفی و شیوه‌های ترکیبی)*، ترجمه: حسن دانایی‌فرد و علی صالحی، تهران، مؤسسه کتاب مهربان نشر.
۲. کلاتری، فتح‌الله (۱۳۹۴). واکاوی راهبردهای نظامی آمریکا در جنگ‌های حال و آینده، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال سیزدهم، شماره ۵۱.
۳. گوهری مقدم، ابوذر (۱۳۹۲). الگوی رفتاری آمریکا در قبال بیداری اسلامی: عمل‌گرایی محتاطانه، *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، دوره ۲، شماره ۶، شماره پیاپی ۶.
۴. فولادی، قاسم، صابر فرد، علیرضا (۱۳۹۰). *واکاوی مدل رفتاری آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران*، تهران، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاع، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
۵. فولادی، قاسم، رحیمی، غلامحسین (۱۳۹۴). مدل راهبردی رفتار آمریکا در جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی*، دوره ۵، شماره ۱۸.

ب. منابع انگلیسی

1. Boyd, John (2007). *Patterns of War, briefing slides*, Pentagon, VA.
<https://geekboss.com/boyd-patterns-of-conflict>.
2. Cordesman, Anthony (2008). *The Lessons of the Israeli-Lebanon War*, Center for Strategic and International Studies.
3. DoD (2007). Irregular warfare, U.S Joint Force Command.
https://www.jcs.mil/Portals/36/Documents/Doctrine/concepts/joc_iw_v1.pdf
4. Emery, Norman; Werchan, Jason; Mowles, Donald G. (2005). *Fighting Terrorism and Insurgency: Shaping the Information Environment*, MILITARY REVIEW.
5. Gavrilis, James A. (2009). *A Model for Population-Centered Warfare: A Conceptual Framework for Analyzing and Understanding the Theory and Practice of Insurgency and Counterinsurgency*, Small Wars Foundation.
6. Jones, Seth G. (2019). United States' Soft War with Iran. CSIS.
7. McCuen, John (2007). *The Art of Counter-Revolutionary War, —The Strategy of Counter-Insurgency* (Harrisburg, Pa: Stackpole Books, 1967).
8. Nye, Joseph S. Jr(2004). *Soft Power: The Means To Success In World Politics*, amazon book.
9. Rupert Smith (2005). *The Utility of Force: The Art of War in the Modern War*, Barnes&Noble.com (London: Allen Lane).
10. Seyyed Ali Mortazavi Emami, Seyed Javad Emamjomehzadeh, Hosein Harsij and Hosein Masoudnia (2014). *Soft Warfare Theory*. Middle-East Journal of Scientific Research 22 (10).
11. THOMAS A. MARKS, SEBASTIAN L.v. GORKA, AND ROBERT SHARP (2012). *Getting the Next War Right Beyond Population-centric Warfare*. PRISM 1 No.3.
12. Vest, Jason (2008). *Fourth Generation Warfare*, The Atlantic.com, December.

